



Est.1994

JCL

Journal of the College of Languages

Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279

E-ISSN: 2520-3517

2020, No.(41)

Pg.224-245

بررسی ترکیب سازی در قصاید و قطعات سعدی

The composition of the vocabulary and passages in the poems of Saadi

Asst. Professor Hasan Ali Safar: Hassan.alfaily@yahoo.com

University of Baghdad, college of Languages, Department of Kurdish Language

(Received on 17/4/2019 - Accepted on 18/6/2019 – Published on 2/1/2020)

Abstract

The importance of research and study of classical Persian literature is not overlooked. So far, there have been many studies in this area. But there are still some things that need more research. Persian grammar is one of the most important branches of Persian literature. This section has always been converted at different times. One of the issues that has been neglected in the studies of classical literature is the study of the technical tales of past and past poetry. These texts can be studied from different perspectives. Because Persian is a mixed language, it is possible to combine language terms with each other or to add prefixes and suffixes to express new concepts. They can be used by examining nonlinear terms (derivative, compound, derivative) in the past, And used it to form new words.

Saadi Shirazi has created valuable works in the field of Persian language and literature. Many scholars have tried to examine his works from different points of view. At the same time, sheikhs and cuttings were taken lightly. In this paper, the author attempted to study the composition of sati and parts.

Key words: word synthesis, word building, poems and pieces of Saadi

بررسی ترکیب سازی در قصاید و قطعات سعدی

استادیار. حسن علی صفر
دانشگاه بغداد
دانشکده زبان
گروه زبان کوردی

چکیده

اهمیت تحقیق و پژوهش و واکاوی متون کلاسیک ادبیات فارسی بر کسی پوشیده نیست. تا کنون پژوهش های زیادی در این زمینه صورت گرفته است. ولی هنوز مواردی را نمی توان یافت که بررسی بیشتر درباره ی آنها ضروری به نظر می رسد. دستور زبان فارسی یکی از شاخه های مهم زبان فارسی است. این شاخه در ادوار مختلف همواره دستخوش تحول و دگرگونی بوده است. یکی از مواردی که در پژوهش های مربوط به ادب کلاسیک کمتر مورد توجه قرار گرفته است بررسی مباحث دستوری متون منظوم و منثور گذشته می باشد. این متون را می توان از نظرگاه های مختلف دستوری مورد مطالعه و مذاقه قرار داد. از آن جا که زبان فارسی زبانی ترکیبی است ؛ یعنی می توان از پیوستن واژه های زبان به یکدیگر یا افزودن پیشوندها و پسوندها به آن برای بیان مفاهیم تازه بهره گرفت ، می توان با بررسی واژه های غیر بسیط (مشتق ، مرکب و مشتق - مرکب) در آثار گذشتگان ، الگوی ساختن واژه را از آنها استخراج کرد و در ساختن واژه های جدید از آن ها بهره برد.

سعدی شیرازی آثار ارزشمندی را در حوزه ی زبان و ادبیات فارسی خلق کرده است. پژوهشگران بسیاری

کوشیده اند تا آثار او را از دیدگاه های مختلف بررسی کنند. نگارنده در این مقاله کوشیده است تا به بررسی ترکیب سازی در قصاید و قطعات سعدی بپردازد.

کلیدواژگان: ترکیب سازی، ساخت واژه، قصاید و قطعات سعدی.

مقدمه

1-1- پیکره ۶ پژوهش

زبان گسترده ترین، پیچیده ترین و در عین حال راحت ترین وسیله ی ارتباط بین انسان هاست. ابزار ی طبیعی که علاوه بر برقراری ارتباط بین انسان ها ، اندیشه ی آدمی را نیز منظم می کند. برجسته ترین ویژگی زبان با نظام بودن آن است که واحدهای سازنده ی آن به طور منظم و باقاعده همیشه در صورت های گفتاری و نوشتاری ظاهر می شوند. شناخت قواعد و ویژگی های زبان به ما کمک می کند که از این دستگاه بهتر و بیشتر و راحت تر استفاده کنیم.

2- بیان مسأله

اهمیت پژوهش های مربوط به زبان فارسی بر کسی پوشیده نیست. یکی از مشکلاتی که امروزه فرهنگستان زبان فارسی با آن مواجه است هجوم بی رویه ی اصطلاحات بیگانه از زبان های دیگر دنیاست. فرهنگستان زبان و ادب فارسی با استفاده از تحقیقات پژوهش های مربوط به ساخت واژگان، وندها، تک واژه ها و گرو ها می تواند برای کلمات بیگانه معادل سازی کند و فرهنگ زبان فارسی را از نظر مادی و معنوی غنی سازد.

مسأله ی دیگر حفظ دستاوردها و آثار گرانقدر زبان گذشتگان است که با ساختن واژگان، تک واژه ها و گروه ها و همچنین پیوستن وندها به کلمات می توان کمک بزرگی به نسل آینده کرد. یکی از این آثار متون منظوم فارسی است که در لا به لای آن کلمات مرکب، مشتق و مشتق مرکب (واژه های غیربسیط) با وندهای مختلف به کار رفته است.

3- اهمیت و ضرورت مسأله

در دهه های اخیر پژوهش های دستوری بیشتر از سوی زبان شناسان انجام شده است. اما هنوز نکات مبهم و حل نشده در دستور زبان فارسی کم نیست یکی از این مسائل، ارائه ی الگوهای ساختوازی و بررسی واژگان ترکیبی و اشتقاقی در متون کلاسیک است. این عوامل نگارنده را بر آن داشت تا در این پژوهش به بررسی واژگان و ارائه ی الگوی ساختوازی آنها بپردازد. نگارنده در این پژوهش قصاید و قطعات سعدی را مورد مطالعه قرار داده و با بررسی واژگان، به ارائه ی الگوی ساختوازی آنها می پردازد.

4- پیشینه ی پژوهش

درباره ترکیب و اشتقاق و بررسی الگوهای ساختوازی در بعضی متون ادب فارسی تحقیقاتی انجام شده است، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

خوبینی، عصمت (1385). اشتقاق در زبان فارسی. مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی. سال 14.

(شماره ی 52 و 53) (vol. 14, No. 52, 53)

سمیعی (گیلانی)، احمد (1379) ترکیب و اشتقاق دو راه اصلی واژه سازی. نشر دانش. سال هفدهم. (شماره ی 3) (Vol. 17 No. 3).

طباطبایی، علاءالدین (1389). فرایندهای واژه سازی زبان فارسی و استقلال صرف و نحو. مجله ی پژوهش های زبان شناسی. سال دوم. (شماره ی دوم). (Vol. 2, No. 2)

قاسمی پور، قدرت (1390). ترکیب سازی های واژگانی در پنج گنج نظامی. پژوهش های زبان و ادبیات فارسی. (شماره ی 10) .. (No 10)

تا کنون پژوهشی با عنوان «ترکیب سازی در قصاید و قطعات سعدی» به رشته ی تحریر درنیامده است. نگارنده در این رساله واژگان غیربسیط در قصاید و قطعات سعدی را در سه سطح وندها، کلمات مرکب و گروه ها بررسی می نماید همچنین افعال غیر بسیط قصاید و قطعات سعدی نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

5- سعدی شیرازی

سعدی شیرازی نخستین شاعر بزرگ فارس و یکی از بلندآوازه ترین شاعران ایران است که آثار ارزشمند او برای همه فارسی زبانان میراثی گران بهاست. زبان سعدی ساده و روان و در عین حال شیوا و منسجم است.

سعدی از جمله آگاه ترین و اجتماعی ترین شاعران زبان فارسی است. او آشناترین و تاثیرگذارترین سیمای فرهنگی ایران و یکی از ارکان مهم ادب فارسی و از چهره های درخشان و کم نظیر ادب جهانی به شمار می آید.

(ترابی، 1376 : 138) (Torabi1376: 138).

آثاری که شیخ اجل از خود به جا گذاشته است عبارتند از:

1- بوستان. 2- گلستان. 3- قصاید عربی حدود 700 بیت. 4- قصاید فارسی. 5- مرثی که شامل چند قصیده است. 6- ملمعات و مثلثات. 7- ترجیعات. 8- غزلیات شامل: طبیات، بدایع، خواتیم و غزلیات قدیم. 9- صاحبیه که مجموعه ای است از بعضی قطعات فارسی و عربی که غالباً در مدح شمس الدین صاحب دیوان جوینی معروف به صاحبیه سروده شده است. 10- خبیثات مجموعه ای از هزل و مطایبات مطبوع منظوم سعدی 11- رباعیات 12- مفردات 13- قطعات.

قطعات شیخ مجموعه ای از اشعار حکمی و اندرزگونه است که غالب آنها تعلیمی می باشد و با زبانی شیوا و روان پرداخته شده است.

قصاید سعدی قصاید جدیدی است که به سبک عراقی سروده شده است و زبانی لطیف و در عین حال استعاری و بدیهی دارد (نوروزی، 1383: 13 و 14) (Nowroozi1383: 13, 14).

کلام سعدی در قصاید همچون سخنان او در گلستان و بوستان سر تا اندرز و ارشاد و آموزش دقیق حکومت و مردم داری است. یعنی از آن مضامینی که مدحیات دیگران را شامل است عاری می نماید (نوروزی، 1383 : 57) (Nowroozi 2004: 57).

6- دستور زبان

دستور بخشی از زبان شناسی است که درباره ی ساختمان آوایی، صرفی و نحوی، و معنایی زبان بحث می کند. البته برخی دستور را شامل آواشناسی، نحو و معنی شناسی می دانند. دستورنویسانی که بر مبنای زبان شناسی به توصیف و تحلیل ساختمان دستوری زبان می پردازند، صرف، سازه شناسی و سازه ها را بخشی از آواشناسی می شمارند (نک: مشکوه الدینی، 1377: 56)

(see: Meshkat-addini1998: 56) .

7- ساخت واژه

ساخت واژه شاخه ای از زبان شناسی است که به مطالعه ی ساختمان درونی واژه ها و روابط حاکم بر آنها می پردازد. در منابع زبان شناسی درباره ی واژه سازی گفته شده است: واژه سازی در معمول ترین مفهومی به کل فرایندهای تغییر صرفی در تشکیل واژه ها اطلاق می گردد و به دو فرایند عمده ی ترکیب و اشتقاق تقسیم می شود. واژه سازی از اصول نظام مند ساخت واژه پیروی می کند. بدین مفهوم ، واژه های پیچیده تر از رهگذر قواعدی که بر روی واژه های ساده تر اعمال می شوند به وجود می آیند و برعکس واژه های پیچیده می توانند به کلمات ساده تری که آنها را تشکیل می دهند تجزیه شوند .

8- انواع واژه از نظر ساختمان

واژه را از نظر ساخت به دو نوع تقسیم می کنند:

الف) ساده یا بسیط

آن است که فقط از یک تکواژ یا یک جزء معنا دار تشکیل شده باشد. مثل میز ، بلند، خوب ، دیر، من،

ب) غیر ساده یا غیر بسیط

آن است که از دو یا چند تکواژ ساخته شده اند، مانند بادب، پرورش، ...
واژه غیر بسیط بر چهار دسته تقسیم می شوند: مشتق، مرکب، مشتق- مرکب و عبارت.

1-8 واژه ی مشتق

واژه ای است که از یک تکواژ آزاد و یک یا چند وند ساخته شده باشد (تجویدی، 1387 : 9)
(Tajwidi1387: 9)مانند: ناراحت، ایرانی که واژه هایی مشتق هستند و «نا»، «ی» وند هستند.

2-8 واژه ی مرکب

واژه ای که متشکل از بیش از یک واژه ی ساده و عموماً از دو واژه تشکیل یابد مرکب .

3-8 واژه ی مشتق - مرکب

واژه ای که ویژگی های واژه ی مرکب و واژه ی مشتق را یک جا در خود داشته باشد، واژه ی مشتق - مرکب است . به این معنی که حاصل ترکیب دو یا چند تکواژ آزاد به علاوه یک یا چند وند(پیشوند، پسوند، میان وند) باشد (تجویدی، 1387 : 9) (Tajwidi1387: 9) .

4 - 8 گروه

واژه ای است که از چند جزء تشکیل شده است. (ابوالقاسمی، 1375 : 307)

(Abolghasemi1375: 307).

5 - 8 تکواژ

تکواژ کوچک ترین واحد معنادار زبان است که قابل تجزیه به واحدهای معنادار کوچکتر نباشد، تکواژها گاهی از یک واج مانند «ی» در «رفتی» و گاهی هم از یک واژه مانند «فاطمه» تشکیل می شوند

(مدرسی، 1387 : 414)(Modarresi1387: 414) .

تکواژ از یک یا چند هجا تشکیل می شود. با این همه در زبان فارسی تکواژهایی هستند که فقط از یک واج ساخته شده اند.

8-5-1 انواع تکواژ

تکواژها بر دو نوع هستند: «تکواژهای آزاد» و «تکواژهای مقید» .

8-5-1-1 تکواژ آزاد

در صورتی که بتوان از تکواژی به تنهایی یعنی بدون اتصال به تکواژ دیگری در ساخت استفاده کرد آن را تکواژ آزاد می‌نامند (شقاقی، 1386: 65) (Sheghaghi 2007: 65). این نوع تکواژ می‌تواند به تنهایی و به طور مستقل به کار رود که در این صورت یک واژه بسیط محسوب می‌شود، مانند: «کار» و «مهر» .

8-5-1-2 تکواژ مقید

تکواژهای وابسته یا مقید در هیچ حالتی به تنهایی و به طور مستقیم به کار نمی‌روند و همواره به تکواژهای دیگر افزوده می‌شوند (یول، 1388: 91) (Yule 1388: 91). مانند «مند» در «کارمند» و «بان» در «مهربان» تکواژهای مقید بر دو نوع هستند: اشتقاقی و صرفی.

8-5-1-3 تکواژهای اشتقاقی

انواع پیشوندها و پسوندها را در بر می‌گیرند و از آن‌ها جدید می‌سازد مانند نمونه‌های زیر:
 -- «مند»: دانشمند، کارمند، سالمند.

-- «آ»: توانا، گویا، زیبا، پویا.

-- «بی -»: بی‌تاب، بی‌رحم، بی‌کار. (مشکوٰۃ الدینی، 1364: 147) (meshkat-addini 1985)

8-5-1-4 تکواژ صرفی

معنا و کاربرد مستقل ندارد و واژه جدید هم نمی‌سازد: «ان» جمع، «ها»، «تر»، «ترین»، «ی» نکره. مانند: مردان، مردها، خوبتر، خوبترین، مردی. (وحیدیان و عمرانی، 1380: 8) (vahidian and omrani 1380: 8)

8-6-1 وند

تکواژ مستقلی است که به طور مستقل به کار نمی‌رود و تنها در صورت اتصال به سناک، پایه یا ریشه است که افاده‌ی معنی می‌کند (کلباسی، 1371: 24) (kalbasi 1371: 24). جزء بدون وند کلمه «پایه» نامیده می‌شود.

8-7-1 پایه

پایه کلمه معمولاً تکواژ آزاد است ولی بعضی از واژه‌ها به طور مستقل به کار نمی‌روند و از همین رو آنها را «پایه مقید» می‌نامند، «زا» در «زایا» و «آ» در «آینده».

پایه، گاه به بخشی از کلمه اطلاق می‌گردد که عناصر دیگری از جمله «وند» یا تک‌واژ آزاد، برای ساختن واژه جدید به آن اضافه شده باشند که در این صورت پایه دارای بیش از یک تک‌واژ است مانند «کارگر» در «کارگری» و «رفت و آمد» در «کم رفت و آمد». (باقری، 1371: 23) (Bagheri 1378: 23).

9- ترکیب‌سازی در قصاید و قطعات سعدی

به منظور پرداختن دقیق به ترکیب‌سازی در قصاید و قطعات سعدی و جلوگیری از اطالۀ کلام، تمام موارد ترکیب‌سازی را ذکر نموده اما تنها به نمونه‌ای از ابیات را به عنوان شاهد خواهیم آورد.

واژگان مرکب:

اسم + اسم = اسم / صفت

اسم

در قصاید و قطعات سعدی صفاتی که از اسم + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از :
(آبروی، بارخدای، بنی آدم، بیوه زن، پرده سرای، جامه خانه، جامه خواب، خارپشت، خیل خانه، درددل، رودخانه، سپنج سرای، سراپرده، سیلاب، عشرت سرای، کاروانسرای، گلنار، مرده ریگ، نگارخانه)

من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن
که پیش طایفه ای مرگ به که بیماری(ص)

(753)(page 753)

هر که بر خود شناسد کرم بارخدای
دولتش دیر نماند که کفورست و کنود(ص)

(718)(p 718)

چو ماهروی مسافر که بامداد پگاه
در آید از در امیدوار چشم براه(ص 745)

(p 754)

بنی آدم سرشت از خاک دارد
اگر خاکی نباشد آدمی نیست(ص 816) (p

816)

شنیدم که بیوه زنی دردمند
همی گفت و رخ بر زمین می نهاد(ص 816)

(p 816)

صفت + اسم = اسم / صفت / قید

اسم

در قصاید و قطعات سعدی اسم هایی که از صفت مقلوب + اسم ترکیب شده اند عبارتند از :
شوره بوم، نوبهار، نوروز، تندباد

تخم در شوره بوم کاشتن است (ص 815) (p
نکویی با بدان و بی ادبان

815)

اگر مطالعه خواهد کسی بهشت برین را
بیا مطالعه کن گو به نوبهار زمین را

(ص 704)(p 704)

علم دولت نوروز به صحرا برخاست
زحمت لشکر سرما ز سر ما برخاست (ص 706)

(p 706)

به هیچ باغ نبود آن درخت مانندش
که تندباد اجل بی دریغ بر کندش (ص 762) (p

762)

4-1-2- اسم + بن مضارع

اسم

در قصاید و قطعات سعدی کلمه ای که از اسم + بن مضارع ترکیب یافته اند عبارتند از : گوش مال
هر که به گفتار نصیحت کنان

گوش ندارد بخورد گوش مال (ص 730)

(p 730)

عدد + اسم = اسم / صفت

اسم

در قصاید و قطعات سعدی اسم های که از عدد + اسم ترکیب شده اند عبارتند از :

- (سیمرغ ، هزارستان)
 آری مثل به کرکس مردار خور زدند
 سیمرغ را که قاف قناعت نشیمن است (ص 815) .
 (p 815)
 هزارستان بر گل سخن سرای چو سعدی دعای صاحب عادل علای دولت و دین را (ص 704) .
 (p 704)
صفت

در قصاید و قطعات سعدی صفت هایی که از اسم + بن مضارع ترکیب یافته اند عبارتند از :
 بدگوی، جان فشان، جورستان، جنگجوی، حق گوی، دسترس، زبان آور، شبه فروش، عنبرسای،
 عودسوز، عیب جوی، فرمان گذار، فریادخوان، گردن کش، مایه دار، ملامت گوی، منت پذیر،
 میراث گیر، وام دار، آبدار، بدآموز، بداندیش، بستان افروز، بنده پرور، بنده نواز، پای بند، پایدار،
 پایمال، تفسیرگویی، جان آفرین، جان گزا، جان بخش، جمله ربای، جهان افروز، جهان بخش، جهان
 گشای، حق گذار، خون پالای، خون خوار، خون فشان، دست کش، دشمن کش، دعاگویی، دلدوز،
 دل ربا، دل بند، دل ستان، دوست نمای، دودآمیز، راه نشین، راستگویی، رعیت نواز، رنگ آسای،
 روح پرور، روشن بین، رهرو، رهنما، سپهدار، سخن سرای، سخن دان، مصالح گو، سخن گوی،
 شب تاب، شکرگزار، شورانگیز، شیرخوار، صدرنشین، طبیعت شناس، عالم افروز، عدوبند، عشوه
 ده، عنبرآمیز، عهدشکن، غزل گوی، غم خوار، غم زدای، غیب دان، فرمانده، قصراندای، کاربند،
 کارکشای، کمان کش، گرم رو، گردن کش، گوهرزای، گیتی نما، گورخوان، مارافسای، مجلس
 آرای، مدح خوان، مردار خور، مردم افکن، مرده شوی، مشک فشان، مصلحت آموز، مصلحت
 اندیش، ملک آرای، ملک بخش، میراث خور، نازپرور، نقش بند، نگهدار، نیکوخواه .

هودار نکورویان نیندیشد ز **بدگویان*** بیا گر روی آن داری که طعنت در قفا ماند (ص 715)
 (715) .

کدام روز دگر جان به کار باز آید **که جان فشان** نکنی روز وصل بر جانان (ص 738)
 (p 738)

درم به **جورستانان*** زر به زینت ده بنای خانه کنانند بام قصراندای (ص 746)
 (p 746)

به تیغ و طعنه گرفتند **جنگجویان*** ملک تو بر و بحر گرفتنی به عدل و همت و رای (ص)
 (746)(p 746)

حق گوی* را زبان ملامت بود دراز حق نیست این چه گفتم اگر هست گو بلی (ص 756)
 (p756)

گر مرا نیز **دسترس** بودی بارگه کردمی و صفه و کاخ (ص 816)
 (p 816)

نگویمت چو **زبان آوران*** رنگ آسای که ابر مشک فشانی و بحر گوهرزای (ص 746)
 (p 746)

اسم + صفت = صفت

در قصاید و قطعات سعدی صفاتی که از اسم + صفت ترکیب شده اند عبارتند از :
 (دروغ شیرین، دست تنگ، سال خورده، میان تهی)

جماعتی شعرای دروغ‌شیرین را
 اگر به روز قیامت بود گرفتاری (ص 752)
 (p 752)
 و آدمی را که دست‌تنگ بود
 ن بتواند نهاد پای فراخ (ص 816) (p 816)
 برف بر بام سال‌خورده ی ماست
 آب در خانه ی شما نچکد (ص 820) (820) .
 نیاز باید و طاعت نه شوکت و ناموس
 بلندبانگ چه سود و میان‌تهی چو درای (ص 746)
 (p 746)

صفت

در قصاید و قطعات سعدی صفاتی که از اسم + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از :
 (آفتاب صفت، بت روی، پری چهره، جهان سالار، خواب، دردانه، زربفت، زرنگار، زنده دل،
 سروقامت، سنگدل، شوخ چشم، شیرپیکر، شیرمرد، گداطبع، گردن فراز، ماه پیکر، ماه روی)
 پیش مردان آفتاب‌صفت
 به اضافه کرم شب‌تابی (ص 750)
 (p750)

اگر بر هر سر کویی نشیند چون تو بت‌روی* به جز قاضی نپندارم که نفسی پارسا ماند (ص
 (p715) (715)
 روی اگر چند پری‌چهره و زیبا باشد
 نتوان دید در آینه که نورانی نیست (ص 708)
 (p 708)
 جهان‌سالار عادل انکیانو
 سپهدار عراق و ترک و دیلم (ص 732) (p
 732)

ادات تشبیه + ضمیر اشاره = قید

در قصاید و قطعات سعدی قیدهایی که از ادات تشبیه + ضمیر اشاره ترکیب یافته اند عبارتند از :
 (چنان ، چنین)
 چند استخوان که هاون دوران روزگار
 خردش چنان بکوفت که خاکش غبار کرد (ص 712) .
 (p 712)
 زینهار از دور گیتی و انقلاب روزگار
 در خیال کس نیامد کآنچنان گردد چنین (ص 864)
 (p 864)

حرف ربط + ادات تشبیه + ضمیر اشاره = قید

در قصاید و قطعات سعدی قیدهایی که از حرف ربط + ادات تشبیه + ضمیر اشاره ترکیب شده اند
 عبارتند از : (همچنان، همچنین)
 حکایت این همه گفتیم و همچنان باقی ست
 هنوز باز نکردیم دوری از طومار (ص 723)
 (p 723) همچنین تا مرد نام آور شدی
 فارس میدان و صید و
 کارزار (ص 724) (p 724) .

صفت

در قصاید و قطعات سعدی صفاتی که از صفت مقلوب + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از :
 (آزادمرد، بدسگال ، بدخلاق، بدخبر، بدگوهر، بدمعاملت، بزرگ مقدار، بزرگ نام، بزرگ نهاد،
 بلنداختر، بلندبانگ، بلندپایه، فراخ مایه، بلندپرواز، پاکیزه پیکر، بدخوی، تاریک طبع، ترش روی،
 تنگ چشم، تنگ دست، تنگ عیش، تیره رنگ، تهی دست، خوش بوی، روشن دل، زشت خوی،

زشت روی، زنده دل، سپیدنامه، خوش دل، سرخ روی، سست مهر، سیه گلیم، شوخ چشم، صاحب دل، صاحب دولت، صاحب قران، صاحب مال، صاحب کمال، صاحب نظر، صاحب هنر، عالی تبار، فراخ حوصله، فرخنده روی، فرخنده طایر، کوتاه دست، کوتاه نظر، گران جان، مجهول نام، نکوچادر، نیک بخت، نیک رای، نیک عاقبت، نیک نام، نیک محضر، نیک مرد، نیکونام، نیکونهاد) در جهان با مردمان دانی که چون با بد گذاشت آن قدر عمری که دارد مردم آزادمرد؟ (ص 818) (p 818).

نیکخواهان تو را عاقبت نیکو باد
بدسگالان* تو را عاقبت نامحمود (ص 718) p.

کان بداخلاق* بی مروت را
سنگ بر سر زدن سزاوار است (ص 814) p.

چون بوم بدخبر نفنن سایه بر خراب
در اوج سدره کوش که فرخنده طایری (ص 753)

دنیای به دین خریدنت از بی بصارتی ست
ای بدمعاملت* به همه هیچ می خری (ص 753)

صفت مفعولی + اسم = صفت

صفتی که در قصاید و قطعات سعدی از صفت مفعولی + اسم ترکیب شده اند عبارتند از :

سگی شکایت ایام بر کسی می کرد
نبینی ام که چه برگشته حال و مسکینم (ص 832) p.

ببرسیدم این کشور آسوده کی شد
کسی گفت سعدی چه شوریده رنگی (ص 755) p.

صفت + بن مضارع = صفت فاعلی مرکب

در قصاید و قطعات سعدی صفتی که از صفت + بن مضارع ترکیب یافته اند عبارتند از :

(بدآموز، بداندیش، بدگوی، خوشگوی، خوش نویس، راست روان، گرم رو، نیک خواه، نیکو خواه) معلم بدآموز را سخن مشنو
که دیرسال بمانی به کام نیکو خواه* (ص 745) p.

یار مغلوب که در چنگ بداندیش* افتاد
یاری آن است که نرمی کنی و لابه گری (ص 836) p.

به خلق خلق فروریخت شربتی شیرین
زدند بر دل بدگوی ضربتی محکم (ص 733) p.

ضمیر اشاره + صفت مبهم = صفت مبهم مرکب

قیدهایی که در قصاید و قطعات سعدی از ضمیر اشاره + صفت مبهم ترکیب شده است. (آن همه، این همه)

و آن همه پیرایه بسته جنت فردوس
بو که قبولش کند بلال محمد (ص 715) p.

- این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار (ص 719) (p 719)
- ضمیر پرسشی + اسم = قید**
تنها قیدی که در قصاید و قطعات سعدی از ضمیر پرسشی + اسم ترکیب شده (چگونه) می باشد.
- امیر ظالم جاهل که خون خلق خورد چگونه عالم و عادل شود به قول خطیب (ص 812) (p 812)
- ضمیر مشترک + اسم = ضمیر مشترک**
تنها ضمیری که در قصاید و قطعات سعدی از ضمیر مشترک + اسم ترکیب یافته است ضمیر مرکب (خویشتن) است.
- حیف بر خویشتن کند نادان زخم بر خویشتن زند منبل (ص 727) (p 727)
- ضمیر مشترک + بن مضارع + (-ی) = اسم مصدر**
در قصاید و قطعات سعدی تنها اسم مصدری که که از ضمیر مشترک + بن مضارع ترکیب شده اند است (خودنمایی) می باشد.
- چو می داند قصور پایه ی خویش خلاف عقل باشد خودنمایی (ص 836) (p 836)
- صفت**
در قصاید و قطعات سعدی تنها صفتی که که از عدد + اسم ترکیب شده است (دوروی) می باشد.
- گل دو روی به یک روی با تو دعوی کرد دگر رخس ز خجالت به زعفران ماند (ص 716) (p 716)
- عدد + بن مضارع = اسم**
در قصاید و قطعات سعدی تنها اسمی که از عدد + بن مضارع ترکیب شده (یک ران) است.
- سم یکران سلطان را در این میدان کسی ببند که پیشانی کند چون میخ و همچون نعل خم گردد (ص 711) (p 711)
- عدد + صفت = ضمیر مبهم / قید**
ضمیر مبهم
در قصاید و قطعات سعدی تنها ضمیری که از عدد + صفت ترکیب یافته ضمیر مبهم (یکدیگر) است.
- زور آزمای قلعه ی خبیر که بند او در یکدیگر شکست به بازوی لافتی (ص 702) (p 702)
- قید**
در قصاید و قطعات سعدی تنها قیدی که از عدد + صفت ترکیب یافته ضمیر مبهم (یک چند) است.
- یک چند اگر مدیح کنی کامران شوی صاحب هنر که مال ندارد تباغین است (ص 814) (p 814)
- قید + اسم = صفت**
در قصاید و قطعات سعدی صفاتی که از قید + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از :

- (دیرسال، زبردست، زبردست)
 خلاف نیست در آثار برّ و معروف
 که دیرسال بماند تو دیرسال بمان (ص 741) . (p 741)
- با زبردستان* سخن گفتن نشاید جز به لین (ص 703) .
 مصلحت بود اختیار رای روشن بین او
 چون زیر دستیت بخشید آسمان
 زبردستان* را همیشه نیک دار (ص 724) (p 703)
 724)
- صفت + اسم = صفت مرکب / قید**
صفت مرکب
 در قصاید و قطعات سعدی صفاتی که از صفت + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از :
- جهانی پر آشوب و تشویش و تنگی (ص 755) .
 چنان بود در عهد اول که دیدی
 پر آشوب، پرمشک، پُرهنر (p 755)
 755)
- قیمت بدان کنند که پرمشک اذفر است (ص 814) (p 814)
 کیمخت نافه را که حقیر است و شوخگن
 814)
- وزان پدر که تو فرزند پرهنر زادی (ص 751) .
 خدای عزوجل از تو بنده خشنود است
 751) (p 751)
- صفت + بن مضارع = صفت فاعلی مرکب**
 در قصاید و قطعات سعدی تنها صفتی که از صفت + بن مضارع ترکیب یافته است (خیره کش) می باشد.
- فلک خیره کش از جور مگر باز آمد (ص 714) .
 بلعجب بود که روزی به مرادی برسید
 714) (p 714)
- قید + ضمیر اشاره = قید/صفت**
قید
 کز چشم مادر و پدر مهربان برفت (ص 760) (p 760)
 چندان برفت خون ز جراحت به راستی
 760)
- صفت**
 اول به نام آدم و آخر به مصطفی (ص 702) (p 702) .
 چندین هزار سکه ی پیغمبری زده
 702)
- صوت + صوت = اسم صوت**
 در قصاید و قطعات سعدی تنها اسم صوتی که از صوت + صوت ترکیب یافته است (های و های) است.
- بر بوستان که سرو بلند از میان برفت (ص 760) .
 شاید که چشم چشمه بگرید به های های
 760) (p 760)
- ترکیبات پیوندی**
اسم + ا + اسم = قید

قید

در قصاید و قطعات سعدی اسم های مرکبی که از اسم + عطف (ا) + اسم ترکیب یافته عبارتند از :
(دمادم ، سراسر)

مثال عمر سر بر کرده شمعی ست
هر نعمتی که هست به عالم تو خورده دان
که کوتاه باز می باشد **دمادم** (ص 733) (p 733) .
هر لذتی که هست **سراسر** چشیده گیر (ص 865) .
(p 865)

اسم + ا + بن مضارع = اسم

در قصاید و قطعات سعدی تنها اسم مرکبی که از اسم + عطف (ا) + بن مضارع ترکیب یافته ، " تکاپوی " است .

تکاپوی حرم تا کی خیال از طبع بیرون کن
که محرم گر شوی ذاتت حقایق را حرم گردد (ص 711) (p 711) .

اسم + بر + اسم = اسم / صفت / قید

اسم

در قصاید و قطعات سعدی اسم هایی که از اسم + عطف (بر) + اسم ترکیب یافته است عبارت اند از :

(پدر بر پدر ، جد بر جد)
ز سعد ابوبکر تا سعد زنگی
پدر بر پدر نامور **جد بر جد** (ص 713) (p 713) .

صفت

در قصاید و قطعات سعدی تنها صفتی که از اسم + عطف (بر) + اسم ترکیب یافته است (پابرجا) می باشد.

تا بدانی که به دل نقطه ی **پابرجا** بود
که چو پرگار بگردید و به سر باز آمد (ص 714) .
(p 714)

قید

در قصاید و قطعات سعدی قیدهایی که از اسم + بر + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از :

(انگشت بر دهان، دست بر سینه)
کجاست آنکه به انگشت می نمود هلال
کز ابروان تو **انگشت بر دهان** ماند (ص 716) (p 716) .
716)

آفتاب این همه شمع از پی و مشعل در پیش **دست بر سینه** نهندش که به پروانه درآی (ص 747) (p 747) .
747)

اسم + به + اسم = قید

در قصاید و قطعات سعدی قیدهایی که از اسم + (به) + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از :

(تن به حضر ، دم به دم، سر به سر)
دل بی خویشتن و خاطر شور انگیزش
همچنان یاوگی و **تن به حضر** باز آمد (ص 714) (p 714) .
714)

قلم به یمن یمینش چو گرم رو مرغی ست
که خط به روم برد **دم به دم** ز هندو بار (ص 723) .
(p 723)

- آثار رحمتی که جهان سر به سر گرفت
(p 712)
صفت
احمال منتهی که فلک زیر بار کرد (ص 712) .
- در قصاید و قطعات سعدی صفاتی که از اسم + (به) + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از:
(زر به زینت، سر به فلک)
درم به جورستانان زربه زینت ده
(p 746)
- بستان و باغ ساخته و اندران بسی
(p 864)
اسم + در + اسم = قید
ایوان و قصر سر به فلک برکشیده گیر (ص 864) .
- در قصاید و قطعات سعدی تنها قیدی که از اسم + (در) + اسم ترکیب یافته است عبارت است از:
(دست در رکیب)
رفتی و صد هزار دلت دست در رکیب
(p 706) .
- 706)
اسم + در + قید = قید
در قصاید و قطعات سعدی تنها قیدی که از اسم + (در) + اسم ترکیب یافته است (سردرپیش) می باشد.
- کمر بندد قلم کردار سردرپیش و لب بر هم به هر حرفی که پیش آید به تارک چون قلم گردد (ص 711)(p 711) .
- بن ماضی + و + بن مضارع = اسم مصدر
(جست و جو، گفت و گو)
میراث گیر کم خرد آید به جست و جوی
پس گفت و گوی بر سر باغ و دکان شود (ص 864) .
- (p 864)
وقتی به لطف گوی که سالار قوم را
با گفت و گوی خلق بیاید تحملی (ص 756) (p 756) .
- 756)
بن مضارع + و + بن مضارع = اسم مصدر
در قصاید و قطعات سعدی تنها اسمی که از بن مضارع + عطف (واو) + بن مضارع ترکیب یافته (گیر و دار) است.
- این همه هیچ است چون می بگذرد
تخت و بخت و امر و نهی و گیرودار (ص 724) .
- (p 724)
پیشوند (بی -) + اسم + و + اسم = صفت
در قصاید و قطعات سعدی صفتی که از پیشوند (بی -) + اسم + عطف (واو) + اسم ترکیب شده عبارتند از: (بی دست و پای)
مخالفان تو را دست و پای اسب مراد
بریده باد که بی دست و پای به تنین (ص 742) .
- (p 742)
ترکیبات مکرر

اسم + اسم = قید

قیدهایی که در قصاید و قطعات سعدی از اسم + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از:

(جزو جزو، قطره قطره)
کوه اگر جزو جزو برگیرند
متلاشی شود به دور زمان (ص 737) (p 737)

چو قطره قطره ی باران خرد بر کهسار
که سنگ های درشت از کمر بگرداند (ص 821) .
(p 821)

قید + قید = قید

قیدهایی که در قصاید و قطعات سعدی از اسم + اسم ترکیب یافته اند عبارتند از:

(اندک اندک، ذره ذره، گه گه)
چه دوستی کند ایام اندک اندک بخش
که باربازپسین دشمنی ست جمله ربای (ص 746) .
(p 746)

به قطره قطره حرمت عذاب خواهد بود
به ذره ذره حلالیت شمار خواهد بود (ص 862) .
(p 862)

وقتی به قهر گوی که صد کوزه ی نبات
گه گه چنان به کار نیاید که حنظلی (ص 756) .
(p 756)

صفت + صفت = قید

قیدهایی که در قصاید و قطعات سعدی از صفت + صفت ترکیب یافته اند عبارتند از:

(پیچ پیچ، ریزه ریزه، زار زار)
مرگ آنکه ازدهای دمان است پیچ پیچ
لیکن تو را چه غم که به خواب خوش اندری (ص 754) .
(p 754)

چو گربه درنربایم ز دست مردم چیز
ور او فتاده بود ریزه ریزه برچینم (ص 732) .
(p 732)

بلبلی زارزار می نالید
بر فراق بهار وقت خزان (ص 737) (p 737)

افعال مرکب**اسم + فعل**

در قصاید و قطعات سعدی افعالی که از اسم + فعل ترکیب شده اند عبارتند از:

آمدن: شرم آمدن ، دریغ آمدن ، گرد آمدن ، رشک بردن ، ملامت بردن ، مهلت دادن ، داشتن: باور داشتن ، دریغ داشتن ، سپاس داشتن ، طمع داشتن ، عجب داشتن ، فهم داشتن ، نگاه داشتن ، یاد داشتن ، زیان رسیدن ، گره فکندن ، کردن: اختیار کردن ، ازدحام کردن ، اعتماد کردن ، افتکار کردن ، امیدوار کردن ، انتشار کردن ، انتظار کردن ، اندیشه کردن ، بانگ کردن ، بنا کردن ، پرهیز کردن ، تحمل کردن ، تربیت کردن ، ترتیب کردن ، تصور کردن ، تفاوت کردن ، تقویت کردن ، تکیه کردن ، تمام کردن ، تناول کردن ، تنعم کردن ، توبه کردن ، جفا کردن ، جهد کردن حرام کردن ، حذر کردن ، حکایت کردن ، ختم کردن ، خطا کردن ، خوار کردن ، دعا کردن ، دعوی کردن ، دفع کردن ، رد کردن ، رها کردن ، ریاضت کردن ، زیان کردن ، سوال کردن ، شکار کردن

صبر کردن ، صرف کردن ، صورت کردن ، ضایع کردن ، طمع کردن ، علاج کردن ، عمل کردن ، فریاد کردن ، قبول کردن، قرار کردن ، قیاس کردن ، کبر کردن ، کنار کردن ، گرد کردن ، گذار کردن ، لعنت کردن ، مطالعه کردن ، نثار کردن ، نظر کردن ، نقل کردن ، نگاه کردن ، وفا کردن ، وقوف کردن ، یادگار کردن)

ز عمرت آنچه به بازیچه رفت و ضایع شد
گرت دریغ نیامد بقیت اندر باز(ص 727) .
(p 727)

شرم آید از بضاعت بی قیمت و لیک
در شهر آبگینه فروشست و جوهری(ص 755) .
(p 755)

که موران چون به گرد آیند بسیار
به تنگ آید روان در حلق ضیغم(ص 732) (p .
732)

فرشته رشک برد بر جمال مجلس من
گر التفات کند چون تو مجلس آرایی(ص 749) .
(p 749)

قفا خوند و ملامت برند و خوش باشند
شب فراق به امید بامداد وصال(ص 731) (p .
731)

اسم مصدر + فعل = فعل مرکب

افعالی که در قصاید و قطعات سعدی از اسم مصدر+بن ماضی/مضارع ترکیب شده عبارت اند

از:

(التفات کردن، تحول کردن، تناول کردن، رحمت کردن، متزلزل کردن، نوازش کردن)
نظر به چشم ارادت مکن به صورت دنیا
که التفات نکردند به روی اهل معانی(ص 839).
(p 839)

گرم پای سفر بودی و رفتار
تحول کردمی زینجا به جایی(ص 836) (p .
836)

به لقمه ای که تناول کنم ز دست کسی
رواست گر بزند بعد از آن به زوبینم (ص 832) .
(p 832)

مرا به صحبت نیکان امید بسیار است
که مایه داران رحمت کنند بر بطل(ص 731) (p .
731)

دیار دشمن وی را به منجیق چه حاجت
که رعب او متزلزل کند بروج حصین را(ص 704) .
(p 704)

مرا دوبار نوازش کن و کرم فرما
یکی به موجب خدمت یکی به حق قدیم(ص 832) .
(p 832)

حاصل مصدر+فعل = فعل مرکب

افعالی که در قصاید و قطعات سعدی از حاصل مصدر+ فعل ترکیب یافته اند عبارتند از:

(راستی کردن، سختی بردن، گدایی کردن، نیکی کردن، یاری دادن)
تو راستی کن و با گردش زمانه بساز
که مکر هم به خداوند مکر گردد باز(ص 829) .
(p 829)

- گویند سعدیا به چه بَطَّال مانده ای
814) . سختی مبر که وجه کفافت معین است(ص 814) (p .
- فقیه گرسنه تحصیل چون تواند کرد
(p 828) . مگر به روز گدایی کند به شب تکرار(ص 828) .
- همین نصیحت من پیش گیر و نیکی کن
(p 710) . که دانم از پس مرگم کنی به نیکی یاد(ص 710) .
- بزن که قوت بازوی سلطنت داری
(p 751) . که دست همت مردانت می دهد یاری (ص 751) .
- صفت + فعل = فعل مرکب**
- فعل هایی که در قصاید و قطعات سعدی از صفت + بن ماضی یا مضارع ترکیب یافته اند عبارتند از:
- استوار کردن، پدید آوردن ، خراب کردن، عاجز کردن، ضعیف کردن،)
مسمار کوهسار به نطع زمین بدوخت
(p 712) . تا فرش خاک بر سر آب استوار کرد(ص 712) .
- باری ز سنگ چشمه ی آب آورد پدید
701) . باری از آب چشمه کند سنگ در شتا(ص 701) (p .
- هرگز کسی که خانه ی مردم خراب کرد
835) . آباد بعد از آن نبود خاندان او(ص 835) (p .
- گرفته را تماشا بدیع چهره بتانی
(p 704) . که در مشاهده عاجز کنند بتگر چین را(ص 704) .
- پهلوی تن ضعیف کند پشت دل قوی
(p 703) . صیدی که در ریاض ریاضت کند چرا(ص 703) .
- صفت فاعلی + فعل = فعل مرکب**
- افعالی که در قصاید و قطعات از صفت فاعلی + فعل، ترکیب یافته اند عبارتند از :
- (پرشان کردن، شتاب کردن، شمار کردن)
جز نیکبخت پند خردمند نشنود
756) . این است تربیت که پریشان مکن دلی(ص 756) (p .
- شها به خون عدو ریختن شتاب مکن
733) . که خود هلاک شوند از حسد به خون شکم(ص 733) (p .
- فضل خدای را که تواند شمار کرد؟
711) . یا کیست آنکه شکر یکی از هزار کرد؟(ص 711) (p .
- 3-4-3- قید + فعل = فعل مرکب**
- افعالی که در قصاید و قطعات از قید + فعل در بوستان سعدی ترکیب یافته اند عبارتند از : (حیران ماندن ، فرود آوردن)
شکر کدام فضل به جای آورد کسی
(p 712) . حیران بماند هر که در این افتکار کرد (ص 712) .

سر امید فرود آر و روی عجز بمال
727)

نتیجه گیری

نتایج کلی به شرح ذیل می باشد:

در این پژوهش به بررسی ترکیب‌سازی واژگان در قصاید و قطعات سعدی پرداختیم. بدین منظور واژگانی با ساخت اسم + اسم / اسم + بن مضارع / اسم + صفت / ادات تشبیه + ضمیر اشاره / حرف ربط + ادات تشبیه + ضمیر اشاره / صفت + اسم / صفت مفعولی + اسم / صفت + بن مضارع / ضمیر اشاره + صفت مبهم / صفت مفعولی + اسم / صفت + بن مضارع / ضمیر اشاره + صفت مبهم / ضمیر پریشی + اسم / ضمیر مشترک + اسم / ضمیر مشترک + بن مضارع / عدد + اسم و صفت / عدد + بن مضارع / عد + صفت / قید + اسم / صفت + بن مضارع.

همچنین ترکیبات پیوندی؛ اسم + ا + اسم / اسم + ا + بن مضارع / اسم + بر + اسم / اسم + در + اسم / اسم + در + قید / بن ماضی + و + بن مضارع / بن مضارع + و + بن مضارع / بی + اسم + و + اسم. همچنین ترکیبات مکرر نیز مورد بررسی قرار گرفت. این ترکیبات شامل: اسم + اسم / قید + قید / صفت + صفت.

علاوه بر موارد بالا که به ترکیب‌سازی واژگانی اختصاص یاف، افعال مرکب نیز مورد بررسی قرار گرفت. این موارد شامل اسم + فعل / اسم مصدر + فعل / حاصل مصدر + فعل / صفت + فعل / صفت فاعلی + فعل / قید + فعل.

در قصاید و قطعات سعدی واژگان مشتق، مرکب و مشتق - مرکب برای بیان مفاهیم به کار رفته است. در میان ترکیب‌سازی‌های واژگانی، ترکیب اسم + بن مضارع / صفت + اسم از دیگر ساخت‌ها بیشتر است. همچنین در میان ساخت‌های گوناگون فعل مرکب ترکیب اسم + فعل بیش از دیگر ترکیب‌ها به چشم می‌خورد.

منابع و مأخذ

- I- ابوالقاسمی، محسن (1375). دستور تاریخی زبان فارسی. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- II- باقری، مهری (1378). مقدمات زبان شناسی. تهران: نشر قطره.
- III- ترابی، علی اکبر (1376). جامعه شناسی ادبیات فارسی. تبریز: فروغ آزادی.
- IV- تجویدی، غلامرضا (1387). واژه سازی انگلیسی همراه با فرایندهای واژه سازی در انگلیسی و فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- V- خویننی، عصمت (1385). اشتقاق در زبان فارسی. مجله ی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی. سال 14. شماره ی 52 و 53.
- VI- سمیعی (گیلانی)، احمد (1379). ترکیب و اشتقاق دو راه اصلی واژه سازی. نشر دانش. سال هفدهم. شماره ی 3.
- VII- شقاقی، ویدا (1386). مبانی صرف. تهران: انتشارات سمت.
- VIII- طباطبایی، علاءالدین (1389). فرایندهای واژه سازی زبان فارسی و استقلال صرف و نحو. مجله ی پژوهش های زبان شناسی. سال دوم. شماره ی دوم.

- IX- قاسمی پور، قدرت (1390). ترکیب سازی های واژگانی در پنج گنج نظامی. پژوهش های زبان و ادبیات فارسی. شماره ی 10.
- X- کلباسی، ایران (1371).، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- XI- مدرّسی، فاطمه (1387). از واژ تا جمله (فرهنگ زبانشناسی- دستوری). چاپ دوم. تهران: نشر چاپار.
- XII- مشکوة الدینی، مهدی(1377).ساخت آوایی زبان. چاپ چهارم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- XIII- مشکوة الدینی، مهدی(1364).سیر زبان شناسی مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد .
- XIV- نوروزی، جهان بخش (1383). سعدی از دیدگاه سعدی. فصل نامه ی اندیشه های ادبی. سال دوم. ش 5. صص: 47- 71.
- XV- وحیدیان کامیار، تقی، عمرانی، غلامرضا (1380).دستور زبان فارسی(1). تهران: انتشارات سمت.
- XVI- یول، ج (1388). مطالعه ی زبان. ترجمه ی علی رحیمی . تهران: انتشارات جنگل.

Conclusion

The language is one of cultural factors and is considered a part of a nation and people`s identity, from a wider perspective, we must distinct a language from the other cultural factors because on one hand it is a tool for statement, educating and developing cultural and on the other hand it is a tool to acculturate from a generation to other generation. What joins past culture to the present one and informs the future generation about values and beliefs of present generation, is the language.

Persian-speaking people from the past till now needed words to state concepts and they still need it and sometimes for stating some concepts they were making some new words. One of the Persian language`s abilities is compounding and compounding and derivation are considered the main rules in word formation. The author in this article tried through studying compounding words in Qasidas and fragments of Saadi to study Saadi`s word choosing methods.

The overall results:

In this research, we studied compounding words in Saadi`s odes and fragments.

We review the word with construction of noun + noun / noun + stem present / noun + adjective / similie particles + demonstrative pronoun / conjunctions + similie particles + demonstrative pronoun / adjective + noun / past participle +

noun / adjective + stem present / demonstrative pronoun + indefinite adjective / past participle + noun / adjective + stem present / demonstrative pronoun + indefinite adjective / interrogative pronoun + noun / distributive pronoun + noun / distributive pronoun + stem present / number + noun and adjective / number + stem present / number + adjective / adverb + noun / adjective + noun / adjective + stem present. And also some compounded:

Noun + a + noun / noun + a + stem present / noun + bar + noun / noun + dar + noun / noun + dar + adverb / stem past + va + stem present / stem present + va + stem present / bi + noun + va + noun.

We also review some repeatitive cases too, they are:

Noun + noun / adverb + adverb / adjective + adjective.

Beside what we mentioned above about the word formation, we analysed the compound verbs too. They are:

Noun + verb / gerund + verb / infinitive + verb / adjective + verb / present participle + verb / adverb + verb.

In Saadi`s odes and fragments the derived, compound and derived- compound words are used to state the concepts.

Within this word formation, noun + stem present / adjective + noun are more than other types of word construction. And also within different kinds of compound verb, noun + verb is more obvious than the other types.

References

1. Abolghasemi, Mohsen (1375). Historical command of Persian language. First Edition. Tehran: Publication of the Semat.
2. Bagheri, Mehri (1378). Preconditions of Linguistics. Tehran: Publication of the Ghatra.
3. Torabi, Ali Akbar (1376). Sociology of Persian Literature. Tabriz: ForoughAzadi.
4. Tajwidi, Gholam Reza (1387). English word processor with word processing processes in English and Persian. Tehran: Publication of the Semat.

5. Khoeini, Esmat (1385), derivation in Persian language, Journal of the Faculty of literature and Humanities, vol. 14, No. 52, 53.
6. VI.Samii (Gilani), Ahmad (1379), compounding and derivation, two main tools for word formation. Nashr-e-Danesh publication. Vol. 17, No. 3.
7. Shaghaghi, Vida (1386). Mere basics Tehran: Publication of the Semat.
8. Tabatabaei, Alaeddin (1389). The process of word formation in Persian language and independence of morphology and syntax. Journal of researches in linguistics. Vol. 2, No. 2.
9. Ghasemipoor, Ghodrat (1390). Word compounding in PanjGang of Nezami. Research in Persian language and literature. No. 10.
10. Kalbasi, Iran (1371), the derivation of the word in Persian today. Tehran: Institute of Humanities.
11. Modarresi, Fatemeh (1387). From words to sentences (linguistic-grammatical culture). Second edition. Tehran: Publication of Chapar.
12. MashkoAldini, Mahdi (1377). Phonetic tone of language. Fourth edition. Mashhad: Publication of Ferdowsi University, Mashhad.
13. MashkoAldini, Mehdi (1364). Mashhad Linguistics: Publication of Ferdowsi University, Mashhad.
14. Nowroozi, the world of the branch (1383). Saadi from Saadi's point of view. Quarterly of Literary Thought. Vol .2, No. 5. Pp: 47-71.
15. VahidianKamyar, Taghi.Omrani, Gholam Reza (1380). The Persian Language grammer(1). Tehran: Publication of the Semat.
16. Yule, j (1388). Studying the language. Ali Rahimi translation. Tehran: Publication of Jangal.

تكوين المفردات في قصائد سعدي

ا.م. حسن علي صفر

جامعة بغداد / كلية اللغات/قسم اللغة الكردية

خلاصة البحث

لا يخفى على احد أهمية البحث للنصوص الادبية الفارسي الكلاسيكية. حتى الآن أجريت دراسات متعددة في هذا المجال. الا أن جوانب أخرى متعددة لاتزال تحتاج الى المزيد من البحث. تعد قواعد اللغة الفأية واحدة من الفروع المهمة للغة الفارسية. وقد كان هذا الفرع في العهود المختلفة دائما عرضة للتطور والتغير. ودراسة المباحث القواعدية للنصوص المنظومة والمنثورة الماضية. واحدة من الموضوعات التي قلما كانت موضع اهتمام في البحوث المتعلقة بالادب الكلاسيكي. فيمكن جعل هذه النصوص موضع دراسة واعتناء من وجهة آراء قواعدية مختلفة. وبما أن اللغة الفارسية هي لغة "ركبية" أي يمكن الاستفادة من تركيب كلمات اللغة مع بعضها أو اضافة السوابق واللواحق اليها لبيان المفاهيم الجديدة ويمكن مع دراسة الكلمات غي البسيطة (المشتقة والمركبة المشتقة والمركبة) في آثار الماضيين استخرج أنموذج لبناء الكلمة والافادة منها في بناء الكلمات الجديدة.

وقد ابتكر سعدي شيرازي آثارا قيمة في مجال اللغو والادب الفارسي. وسعى الباحثون كثيرا لدراسة آثاره من أوجه مختلفة لذى سعى الباحث ليدرس تكوين التراكيب للمفردات في قصائد وقطع سعدي الشعرية

الكلمات المفتاحية: تركيب الكلمات , بناء الكلمة , قصائد وقطعات سعدي

سيرة استاډيار:

- نام/ حسن علي صفر
- تحصيل/ فوق ليسانس 2006 دانشكاه بغداد/ دانشكده زبانه/ طروة زبانه فارسي .
- استاډيار در دانشگاه بغداد – دانشطده زبانه كوردي تخصص زبانه و ادب فارسي/ زبانه فارسي .
- استاډ درس زبانه و نحو تقابلي براي كلاس ضهارم .
- تقريبا ده ثوهش هاي دارم .

Email: Hassan.alfaily@yahoo.com